

محدثان و علمای امامی ری (تا پایان قرن چهارم)

محمد حاجی تقی

درباره روش و موضوع تحقیق

تعداد محدثان ، عالمان و فقهای مذهبی در یک منطقه ، نشان از میزان شیوع آن آیین در آنجا دارد. بدین جهت ، احصا و معرفی عالمان مذهبی ، یکی از شیوه های نشان دادن سیر تکوین و تکامل و گسترش مذاهب مختلف در هر منطقه است .

فقر منابع و مستندات تاریخی مربوط به قرون اولیه اسلامی ، بویژه درباره تاریخ تشیع ، سبب گردیده است که احصا و معرفی محدثان و عالمان این فرقه در مناطق مختلف سرزمین های اسلامی ، از مناسب ترین روشهای تحقیقی در نشان دادن سیر تاریخی تکوین و گسترش و میزان پراکندگی و نفوذ مذهب امامیه در آن مناطق و نهایتا سرزمین های لافت باشد.

در این مقاله ، سعی گردیده تا با این روش ، به روشن شدن سیر تکوین و گسترش مذهب امامیه در قرون اول تا چهارم هجری در شهرری که یکی از معدود شهرهای بزرگ ، ثروتمند و آباد سرزمین های اسلامی بوده پرداخته شود. بدین منظور ، ابتدا به معرفی اجمالی شهر و سپس فقها ، محدثان و راویان احادیث ائمه اثنا عشری آن و نهایتا به نتیجه گیری در دو محور و با توجه به مستندات تاریخی می پردازیم :

(۱) روند تکوین و گسترش تشیع امامیه در شهر ری ، با تکیه بر شمار محدثان و عالمان در قرون مورد تحقیق ؛

(۲) بررسی میزان اعتبار عقیدتی و علمی و التزام محدثان و عالمان قمی به مذهب امامیه .

ری (رگا) یکی از کهن ترین مراکز باستانی ایران است که نامش در اوستا و کتیبه بیستون (قرن ششم قبل از میلاد) آمده است. (۱) در دوره فتوحات مسلمین ، این شهر به سال ۲۳ قمری (۲) (و به قولی ۲۰ قمری (۳)) ، توسط اعراب فتح گردید .

در دوران خلافت منصور دوانیقی ، مهدی عباسی در کنار ری قدیم شهری بنا کرد و برای آن ، مسجد جامع ساخت و بر دور آن ، خندق حفر کرد و آن را (محمدیه) نامید (سال ۱۸۵ ق) .

در کمتر از نیم قرن ، محمدیه ، جای ری قدیم را گرفت ؛ (۴) ولی ری ، هیچ زمان به محمدیه مشهور نشد و این اسم رایج نگردید .

موقعیت ژئوپلتیک ری که مسیر ارتباطی تمدنهای شرق و غرب از آن می گذشت و چهار راه ارتباطی سرزمین های خلافت بود ، (۵) سبب رونق تجارت ، انباشت ثروت و آبادانی این شهر گردیده بود. عباراتی که جغرافی دانان اسلامی در توصیف شکوه و عظمت این شهر آورده اند ، می تواند بیان کننده موقعیت و میزان اهمیت این شهر در دوره اسلامی باشد. از جمله توصیفات که از ری شده ، اینهاست :

عروس شهرها ، (۶)

آبادترین ، پر نعمت ترین و پر عمارت ترین شهر مشرق ، بزرگترین شهر مشرق بعد از نیشابور ، (۷)

دارای کاروانسراهای نیکو و بازارهای بزرگ ، (۸)

دارای خیابانهای پهن ، (۹)

دارای گرمابه های تمیز ، مدارس و کتابخانه های پرآوازه ، میوه های بسیار ، تجارتی پر سود ، آب فراوان و هوای خوش . (۱۰)

به علاوه ، میزان خراجی که اهالی ری در دوره خلافت عباسی می پرداختند (ده تا دوازده میلیون درهم) در مقایسه با خراجی که اهالی نیشابور ، بزرگترین شهر مشرق خلافت می پرداختند (چهارمیلیون درهم) (۱۱) خود ، نشان دهنده ری ثروتمند و آباد است .

ص:۱

بناهای ری ، اغلب گلی بوده و در آنها از گچ و سنگ ، به ندرت استفاده می شده (۱۲) و وسعت آن ، یک فرسنگ و نیم در یک فرسنگ و نیم بوده است . (۱۳)

ابن فقیه ، ری را دارای هفده رستاق (روستا) می داند که از آنها ایند : خوار ، دنباوند ، ویمه و شلنبه . وی اضافه می کند که اینها رساتیقی هستند که در آنها منبر (که نشانی از وسعت و جمعیت زیاد آنها بوده) وجود دارد . (۱۴)

اصطخری نوشته :

و در ناحیت ری ، دیه هاست ، بزرگتر از این شهرها ، چون : ورامین و ارنبویه و رزین و دزا و قوسین . شنوده ام که در هردهی از این ، قرب ده هزار مرد [بلکه] زیادت بود و روستاهای قصرانبن درونی و بیرونی و بهزان و السن و بسا و دماوند و کها و مرکوی . (۱۵)

کلین فشاپویه ، (۱۷) جاموران ، تهران ، (۱۸) شهرستانک ، مهران (۱۹) و...

محدثان و علمای امامی ری

اما محدثان و علمای امامی ری تا پایان قرن چهارم به ترتیب حروف الفبای نامشان ، به شرح زیر هستند :

۱. ابراهیم بن علی بن عیسی رازی (ق ۴) : ابن بابویه در (تاریخ ری) از او نام می برد و می گوید : وی از شیوخ شیعه بوده که از احمد بن محمد بن یحیی عطار روایت می کند و ابوالفتح عبیدالله بن موسی بن احمد حسینی و جعفر بن محمد یونسی ، از او روایت می کنند . (۲۰)

۲. ابواسحاق ابراهیم بن محمد بن عبدالله رازی (ق ۳) : وی از نظر نقل حدیث ، مجهول و از سلسله روات شیخ طوسی است . (۲۱)

۳. ابن ابی یحیی/ابو یحیی رازی (ق ۲) : وی در نقل حدیث ، مجهول و از اصحاب امام صادق (ع) است . (۲۲)

۴. ابواسماعیل صیقل رازی (ق ۲) : وی مجهول و از اصحاب امام صادق (ع) است . (۲۳)

۵. ابوبکر رازی (ق ۲) : مجهول و از اصحاب امام هادی (ع) است . (۲۴)
۶. ابوالحسن رازی (ق ۳ و ۲) : جعفر بن معروف ، از او و او از اسماعیل بن مهران روایت می‌کند . (۲۵)
۷. ابوحسین رازی (ق ۳) : مجهول و از اصحاب امام رضا (ع) است . (۲۶)
۸. ابوطیب رازی (ق ۴) : وی در نقل حدیث ، ممدوح و از جمله متکلمان امامیه است و کتابهای متعددی در امامت ، فقه و نیز در اخبار نگاشته است . (۲۷) کتاب (زیاره الرضا (ع) و فضله و معجزاته) از اوست . (۲۸)
۹. ابوعبدالله جامورانی رازی (ق ۳) : وی در نقل حدیث ، ضعیف است . نجاشی می‌گوید که در عقیده‌اش ارتفاع است . (۲۹) قمی‌ها کتاب (نادر الحکمه) اش را استثنای دانسته و قبول کرده‌اند . (۳۰)
۱۰. ابومحمد رازی (ق ۳) : مجهول و از سلسله روات کلینی و شیخ طوسی است . (۳۱) عطاردی او را از اصحاب امام هادی (ع) معرفی کرده است . (۳۲)
۱۱. ابو هلال / ابن هلال رازی (ق ۲) : مجهول و از اصحاب امام صادق (ع) است . (۳۳)
۱۲. ابو یحیی ابن ابی یحیی رازی (ق ۲) : مجهول و از اصحاب امام صادق (ع) است . (۳۴)
۱۳. احمد بن ابراهیم کلینی (ق ۳ و ۴) : حسن (۳۵) و معروف به علان کلینی و از ممدوحین (۳۶) و فضلا و افراد نیک (۳۷) و اهل دین (امامیه) است . (۳۸)

ص:۲

۱۴. احمد بن اسحاق رازی (ق ۳) : ثقه و از وکلای امام هادی (ع) و از مختصین به ناحیه مقدسه بوده است . (۳۹)
۱۵. ابو علی احمد بن حسن رازی (ق ۴) : حسن (۴۰) و از ممدوحین امامیه است . (۴۱) تلعبیری با اجازه از او روایت می‌کند . (۴۲)
۱۶. ابوعلی احمد بن علی بن ابراهیم بن هاشم بن خلیل قمی (ق ۴) : ممدوح و ساکن ری بوده است . او از بزرگان شیعه (۴۳) و از مشایخ مشهور شیخ صدوق است که صدوق برای او طلب رحمت کرده است . (۴۴) ابن بابویه در (تاریخ ری) از او یاد کرده و گفته است : (از پدرش و سعد بن عبدالله و عبدالله بن جعفر حمیری و احمد بن ادريس و استماع حدیث کرد) و صدوق از او روایت می‌کند . (۴۵)
۱۷. ابوالعباس احمد بن علی خصب ایادی رازی (ق ۴) : غالی است . (۴۶) حدیث او سالم و ناسالم دارد و در مذهب او ارتفاع است . (۴۷) او صاحب کتابهایی است ، از جمله : (الشفاء و الجلاء فی الغیبه) (که شیخ طوسی آن را تحسین می‌کند) ، (۴۸) (الفرائض) و (الاداب) . (۴۹)
۱۸. احمد بن محمد بن نصر رازی سمسار (ق ۴) : ابن بابویه در (تاریخ ری) از او یاد کرده و می‌گوید که از بزرگان و شیوخ امامیه است . علی بن محمد قمی از او و وی از جعفر بن حسن بن شهریار قمی روایت می‌کند . (۵۰)
۱۹. احمد بن محمد بن هیثم عجلی (ق ۴) : ثقه و از مشایخ صدوق است که صدوق از او راضی است . (۵۱)

۲۰. اعین رازی (ق ۲) : امامی ، مجهول (۵۲) و از اصحاب امام باقر (ع) است. (۵۳)

۲۱. بکر بن صالح رازی (ق ۲) : ضعیف (۵۴) و از اصحاب امام کاظم (۵۵) و امام رضا (ع) است. (۵۶) ابن داوود ، یک بار او را توثیق (۵۷) و دوبار تضعیف می کند ؛ (۵۸) اما دیگر رجالیان ، او را بسیار ضعیف معرفی می کنند. (۵۹) از تالیفات اوست : (کتاب فی درجات الایمان و وجوه الکفر و الاستغفار) (۶۰) ، (الجهاد) و (النوادر) . (۶۱)

۲۲. ابو عبدالله جعفر بن احمد وندک رازی (ق ۴) : حسن (۶۲) و از متکلمان و محدثان امامیه و صاحب (کتاب فی الامامه) است که کتاب مشهوری بوده است. (۶۳)

۲۳. جعفر بن محمد بن ابی زید / ابی یزید (ق ۲) : مهمل (۶۴) و از اصحاب امام رضا (ع) است و محمد بن عیسی از او روایت می کند. (۶۵)

۲۴. ابو محمد جعفر بن یحیی بن علاء رازی (ق ۲) : ثقه و پدرش از اصحاب امام صادق (ع) است. کتاب وی با کتاب پدرش درآمیخته و معلوم نشده که از کدام است. (۶۶)

۲۵. ابو محمد حسن بن احمد بن محمد بن هیثم عجل (ق ۴) : ثقه و از بزرگان اصحاب امامیه است و پدر و جدش نیز از ثقات هستند و هر سه اهل ری بوده اند ؛ اما وی ، اواخر عمرش را در کوفه سکنه گزیده (۶۷) از کتابهای او (المثنی) و (الجامع) را می توان نام برد. (۶۸)

۲۶. حسن بن جهم رازی (ق ۲) : ثقه (۶۹) و از اصحاب امام کاظم (ع) است. (۷۰)

۲۷. حسن بن عباس بن حریش رازی (ق ۳) : ضعیف و از اصحاب امام جواد (ع) است. (۷۱) وی صاحب کتاب (ثواب قراءه انا انزلناه فی ليله القدر) است که به گفته شیخ طوسی ، کتابی بالفاظ فاسد و مضطرب است. (۷۲)

۲۸. حسن بن عبدالله رازی تمیمی (ق ۲) : متقی ، نیک (۷۳) و از اصحاب امام رضا (ع) است. (۷۴)

۲۹. حسن بن علی خیاط رازی (ق) : حسن (۷۵) و از فضلا و ممدوحین است. (۷۶)

۳۰. حسین بن ابراهیم بن احمد بن هشام مودب رازی (ق ۴) : حسن (۷۷) و از مشایخ شیخ صدوق است که صدوق از او راضی است و بر او رحمت می فرستد. (۷۸)

ص:۳

۳۱. حسین بن جهم رازی (ق ۲) : ثقه (۷۹) و از اصحاب امام رضا (ع) است. (۸۰)

۳۲. ابو عبدالله حسین بن حسن حسینی اسود رازی (ق ۳ و ۲) : حسن (۸۱) و از فضلا و ممدوحین است. (۸۲)

۳۳. حسین بن محمد اشنانی رازی (ق ۴) : ثقه (۸۳) و از اساتید شیخ صدوق است. (۸۴)

۳۴. حسین بن محمد رازی (ق ۳ و ۲) : ثقه (۸۵) ، عادل و از اصحاب امام کاظم (۸۶) و امام هادی (ع) بوده است. (۸۷)

۳۵. حسین بن یزید نوفلی (ق ۲): از اصحاب امام رضا (ع) است. وی شاعر و ادیب و تمام عمر خود را ساکن ری بوده و همان‌جا مدفون گردیده است. عده‌ای از قمی‌ها می‌گویند که وی در آخر عمرش غالی شد؛ ولی روایتی از او که بر این مطلب گواه باشد، وجود ندارد. کتابهای اوست: (التقیه) و (السنه). (۸۸)

و ممدوح است. (۹۰) امام حسن عسکری (ع) در توقیعی برای اسحاق بن اسماعیل نیشابوری می‌نویسد که حقوق ما را به ابراهیم بن عبده بده تا او به رازی بدهد. نام او در کتب رجالی مشخص نشده است. (۹۱)

۳۷. سهل بن زیاد آدمی (ق ۳): ضعیف و از اصحاب امام جواد، (۹۲) امام هادی (۹۳) و امام حسن عسکری (ع) است (۹۴) و با امام عسکری (ع) به سال ۲۵۵ ق، به توسط محمد بن عبدالحمید عطار مکاتبه داشته است. (۹۵) شیخ طوسی، یک بار او را جزء (ثقات) (۹۶) و یکبار جزء (ضعفا) آورده؛ (۹۷) ولی دیگر رجالیان، او را تضعیف می‌کنند. (۹۸) احمد بن محمد بن عیسی، به دروغ‌گویی و غالیگری وی شهادت داد و او را از قم اخراج کرد و وی نیز در ری سکونت اختیار کرد. (۹۹) او صاحب کتاب است. (۱۰۰)

۳۸. ابو الخیر صالح بن ابی حماد رازی (ق ۳): حسن، امامی (۱۰۱) و از اصحاب امام جواد، (۱۰۲) امام هادی (۱۰۳) و امام ابن غضائری او را تضعیف کرده (۱۰۶) و فضل بن شاذان از او رضایت داشته و او را مدح کرده است. (۱۰۷) از کتابهای اوست: (خطب امیرالمومنین (ع)) و (النوادر). (۱۰۸)

۳۹. ابوالقاسم عبدالعظیم بن عبدالله بن علی بن حسن بن زید بن حسن بن علی بن ابی طالب ع (ق ۳): حسن، عابد، زاهد و مورد رضایت علمای رجالی و از اصحاب امام هادی (۱۰۹) و امام حسن عسکری (ع) است. (۱۱۰) او به سبب اعتقادات شیعی، تحت تعقیب حکومت قرار گرفت و به ری آمد و در سرداب خانه یکی از شیعیان مخفی شد.

او در آن سرداب، روزها را روزه می‌گرفت و شبها را به عبادت می‌گذراند و گاهی پنهانی به زیارت مزار یکی از فرزندان امام کاظم (ع) می‌رفت. بعد از مدتی، خبر اختفای وی به یک یک شیعیان رسید (۱۱۱) و آن سرداب، به محفل علمی شیعیان بدل گردید؛ (۱۱۲) اما طولی نکشید که او بیمار شد و از دنیا رحلت کرد. (۱۱۳) وی کتابهایی نیز نگاشته (۱۱۴) که از جمله آنهاست: (خطب امیرالمومنین (ع)). (۱۱۵)

۴۰. عبدالله بن احمد رازی (ق ۳): علمای رجالی در وی توقف کرده و هیچ حکمی نداده‌اند. (۱۱۶) محمد بن احمد بن یحیی، از وی و او از بکر بن صالح، روایت می‌کند. (۱۱۷)

۴۱. عبدالله بن محمد بن حماد رازی (ق ۳): مجهول و از اصحاب امام جواد (ع) است. (۱۱۸)

۴۲. عبدالله بن محمد بن علی بن عباس رازی تمیمی (ق ۲): ممدوح (۱۱۹) و از اصحاب امام رضا (ع) و صاحب نسخه‌ای از آن امام‌همام است. (۱۲۰)

۴۳. عبدالله بن محمد رازی (ق ۳): از اصحاب امام جواد (ع) (۱۲۱) بوده است. محتمل است که او همان عبدالله بن محمد رازی باشد.

۴۴. عطیه بن نجیح رازی (ق ۲): امامی، مجهول (۱۲۲) و از اصحاب امام صادق (ع) است. (۱۲۳)

۴۵. علاء بن حسن رازی (ق ۳) : حسن است. (۱۲۴) در کتب رجال نقل شده که رقعہ ای از ناحیہ مقدسہ از جانب امام عسکری (ع) صادر شدہ کہ توسط ابوحامد (کہ از بزرگان امامیہ بودہ) بہ علاء بن حسن رازی دادہ شدہ است. (۱۲۵) ص: ۴

مامقانی می گوید : این مطلب ، گواہ آن است کہ او از امناء و بزرگان شیعه است ؛ و گر نہ ابوحامد رقعہ را بہ وی نمی دادہ است. (۱۲۶)

۴۶. علی بن ابراہیم بن وراق رازی (ق ۴) : حسن (۱۲۷) و از مشایخ شیخ صدوق است کہ صدوق برایش طلب رحمت می کند . (۱۲۸) مامقانی می گوید : وی باید از شیعیان پاکی باشد کہ از توثیق، مستغنی اند. (۱۲۹)

۴۷. ابوالقاسم علی بن احمد بن محمد بن عمران دقاق (ق ۴) : ممدوح و از مشایخ شیخ صدوق است کہ صدوق از وی راضی است. (۱۳۰)

۴۸. علی بن عباس جرادینی رازی (ق ۳) : غالی و بسیار ضعیف (۱۳۱) و صاحب کتابهایی است کہ از آنهاست : (فی الممدوحین والمذمومین) (گفته اند کہ این کتاب بر خبث طینت او گواہ است) ، (الاداب والمروءات) و (الرد علی السمانیہ) (سمانیہ ، طایفہ ای از غلات بودہ اند). (۱۳۲)

۴۹. علی بن عثمان رازی (ق ۲) : مهمل (۱۳۳) و از اصحاب امام کاظم (ع) است. (۱۳۴)

۵۰. علی بن عبداللہ بن وراق رازی (ق ۴) : ممدوح و از مشایخ صدوق است کہ صدوق از او راضی است و بر او رحمت می فرستد. (۱۳۵)

۵۱. ابوالحسن علی بن محمد بن ابراہیم بن ابان کلینی (ق ۴ و ۳) : ثقہ ، معروف بہ (علان) و از بزرگان امامیہ است. (۱۳۶) و از مشایخ اوست. (۱۳۸) صاحب کتابهایی است کہ از جملہ آنهاست : (اخبار القائم (ع) . او در سال ۳۲۸ ق ، از جانب امام زمان (ع) اذن حج یافت. او را از این کار نہی کردند ؛ اما وی حرکت کرد. و در راه مکہ او را کشتند. (۱۳۹) ابن اثیر ، بعد از آوردن این خبر ، او را از پیشوایان و علمای امامیہ معرفی می کند . (۱۴۰)

۵۲. علی بن نعمان رازی (ق ۲) : مهمل (۱۴۱) و از اصحاب امام صادق (ع) است. (۱۴۲)

۵۳. علی خزاز رازی (ق) : حسن ، (۱۴۳) متکلم ، جلیل القدر ، مانوس با فقہ و صاحب کتاب در علم کلام است. مقیم ری بود و در آنجا فوت کرد. (۱۴۴)

۵۴. عمرو بن عثمان رازی (ق ۲) : از اصحاب امام کاظم (ع) است. (۱۴۵)

۵۵. ابو جعفر عیسی بن ماہان رازی (ق ۲) : امامی ، (۱۴۶) ممدوح (۱۴۷) و از اصحاب امام صادق (ع) است. (۱۴۸)

۵۶. قاسم بن محمد رازی (ق ۳) : مجهول و از سلسلہ روات کلینی است. (۱۴۹)

۵۷. محمد بن ابراہیم کلینی (ق ۴) : معروف بہ علان کلینی ، حسن (۱۵۰) و از فضلا و نیکان است. (۱۵۱)

۵۸. محمد بن ابی زید رازی (ق ۳) : امامی ، مجهول ، (۱۵۲) اصلا قمی و صحابی امام جواد (ع) است. (۱۵۳)

۵۹. محمد بن احمد بن عبدالله / ابی عبدالله رازی (ق ۳) : احمد بن ادریس از او و او از جریر بن صالح ، روایت می‌کند (۱۵۴) .

۶۰. محمد بن احمد دوریستی (ق ۴) : فقیه ، عالم و فاضل بوده‌است. پسرش جعفر از او و او از شیخ صدوق ، روایت می‌کند. (۱۵۵)

۶۱. ابوعاصم محمد بن اسحاق بن عاصم برادر رازی (ق ۴) : ابن بابویه در (تاریخ ری) از او نام برده است و از ابوالقاسم برادر زاده زراعه نقل می‌کند که او گفت : محمد بن اسحاق ، حدیثی از من استماع کرد که من در شام از شیخ خود شنیده بودم و او خود مستقیماً از شیخ من روایت کرد. به او گفتم : (کجا این شیخ را ملاقات کردی ؟) . گفت : (در بغداد) . در حالی که اودروغ می‌گفت و شیخ مذکور ، هیچ زمانی به بغداد نرفته بود .

ص: ۵

محمد بن اسحاق ، در سال ۳۰۸ ق ، وفات یافت. (۱۵۶)

۶۲. محمد بن اسماعیل رازی (ق ۳) : مجهول (۱۵۷) و از اصحاب امام جواد (ع) است. (۱۵۸)

۶۳. ابو جعفر محمد بن بکران بن عمران رازی (ق ۴) : حسن (۱۵۹) و از بزرگان امامیه و ساکن کوفه بوده است. (۱۶۰) از کتابهای اوست : (الکوفه) ، (موضع قبر امیرالمومنین (ع)) و (مشرف التربه) . (۱۶۱)

۶۴. ابو جعفر محمد بن جریر بن رستم طبری (ق ۴) : رافضی و صاحب تالیفاتی است که از آنهاست : (کتاب الرواه عن اهل البیت (ع)) . عبدالعزیز کنانی ، او را به رفض متهم کرده است. ابن بابویه در (تاریخ ری) از وی نام می‌برد و می‌گوید : او آملی بود ؛ اما به ری رفت و در آنجا ساکن شد. او از بزرگان متکلمان معتزله بود و صاحب تصانیف است. ابو محمد حسن بن حمزه رعینی از وی و او از ابوالفرج اصفهانی ، روایت می‌کند. (۱۶۲)

۶۵. محمد بن جعفر بن عون اسدی (ق ۴ و ۳) : ثقه و صحیح الحدیث است ؛ ولی از ضعفا روایت می‌کند و گویند به جبر و تشبیه اعتقاد داشته است. (۱۶۳)

نقل شده که وی یکی از نواب امام زمان (ع) است. (۱۶۴) برقی او را از اصحاب امام صادق (ع) دانسته (۱۶۵) ؛ ولی سال وفات وی ۳۱۲ ق ، است (۱۶۶) و محال است هم عصر امام صادق (ع) بوده باشد . صاحب کتابهایی است که از آنهاست : (الرد علی اهل الاستطاعه) (۱۶۷) یا (الجبر والاستطاعه) . (۱۶۸)

۶۶. محمد بن حسان رازی (ق ۳) : ضعیف و حدیث او (بینابین) است. (۱۶۹) از اصحاب امام هادی (ع) (۱۷۰) و صاحب کتابهایی است ، از جمله : (ثواب القرآن) ، (۱۷۱) (العقاب) ، (ثواب انازلناه) ، (ثواب الاعمال) ، (الشیخ والمشیخه) . (۱۷۲)

۶۷. محمد بن حسن رازی (ق ۲) : مجهول و از سلسله روات شیخ طوسی است. (۱۷۳)

۶۸. ابوالعباس محمد بن خالد رازی (ق ۳) : امامی ، مجهول (۱۷۴) و از اصحاب امام هادی (ع) است. (۱۷۵)

۶۹. محمد بن سهل بجلی رازی (ق ۲) : از اصحاب امام رضا (ع) است. (۱۷۶)

۷۰. ابوجعفر محمد بن عبدالرحمان بن قبه رازی (ق ۴) : ثقه (۱۷۷) و از متکلمان حاذق و عظیم القدر و همچنین شیخ امامیه در زمان خودش بوده است. (۱۷۸) در مباحثات کلامی ، قوی بوده است . ابتدا معتزلی بوده و سپس مذهب امامیه را اختیار کرده است. (۱۷۹) وی صاحب کتبی است که از آنهاست : (الانصاف فی الامامه) ، (التعریف (الرد) علی الزیدیه) ، (الرد علی ابی علی الجبائی) (المساله المفرده فی الامامه) ، (المستثبت) ، (نقض کتابابی القاسم البلخی) . (۱۸۰)

راوی بنام ، ابوالحسین ، از ثقات نقل می کند که کتاب ابوجعفررا نزد ابوالقاسم بلخی بردم ؛ نقض بر آن نوشت. به ری آمدم و نقض را به ابوجعفر دادم و او نقضی بر آن نقض نوشت. سپس دوباره نقض وی را به بلخی باز گرداندم ؛ نقضی بر آن نوشت. وقتی به ری باز گشتم ، ابوجعفر فوت کرده بود. (۱۸۱)

۷۱. ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (ق ۴) : ثقه ، جلیل القدر ، حافظ احادیث بسیار ، بصیر به علم رجال و نقاد خبر بوده است و در کثرت علم و حفظ احادیث در میان قمی ها مانند نداشته است. (۱۸۲)

سال ولادت وی در کتب نیامده ؛ اما گمان می رود که در دهه اول قرن چهارم و به قولی سال ۳۰۶ ق ، بوده است. پدرش ، از علمای بزرگ و از متقی ترین مردم زمان خود بود. او و پدرش هر دو به (صدوق) و (ابن بابویه) مشهور بوده اند ؛ اما متاخران ، پدر را (صدوق اول) و (ابن بابویه قمی) (مدفون قم) خوانده اند

وی در سال ۳۳۸ ق ، به دعوت اهالی ری از قم بدان جا هجرت کرد (که نشان از رشد و گسترش تفکر شیعی در آن شهر دارد) و ، تا سال ۳۵۲ ق ، در ری سکونت داشت و سپس از ملک رکن الدوله بویه برای زیارت امام رضا (ع) اجازه گرفته ، به خراسان رفت ؛ از طوس به نیشابور سفر کرد و از تمام مشایخ آنجا استماع حدیث نمود. در همان سال ، به بغداد رفته ، از تمام ص: ۶

مشایخ آن شهر نیز استماع حدیث کرد. سپس در سال ۳۵۴ ق ، وارد کوفه شد و از مشایخ آنجانی حدیث شنود و به قصد حج ، راهی حرمین شد و پس از سفر حج نیز به همدان رفت و از شیوخ تمامی این شهرها اخذ حدیث کرد. (۱۸۳)

ابوجعفر در سال ۳۵۵ ق ، بار دیگر به بغداد رفت. ابن داوود و علامه حلی نوشته اند که در این سال ، تمام شیوخ امامیه در بغداد از او استماع حدیث کردند. (۱۸۴) در سالهای ۳۶۷ و ۳۶۸ ق ، دوبار به زیارت امام رضا (ع) رفت و سپس در سفرش به ماوراءالنهر ، در بلخ و سرخس و ایلاق ، توقف نمود و از مشایخ این شهرها حدیث شنید .

کتابهای تالیفی او را حدود سیصد جلد نوشته اند. (۱۸۵) کثرت مسافرتها و کتب او ، نشانی از روح بلند و همت عالی و کم نظیر او دارد. فهرست کتابهای او در (الرجال) نجاشی (۱۸۶) (الفهرست) شیخ طوسی (۱۸۷) آمده است. ابوجعفر صدوق به سال ۳۸۱ ق ، وفات یافت. (۱۸۸)

۷۲. محمد بن عقیل کلینی (ق ۳) : مجهول و از مشایخ کلینی است. (۱۸۹)

۷۳. محمد بن محمد بن عاصم کلینی (ق ۴) : مجهول ، از راویان کلینی و از مشایخ شیخ صدوق است (صدوق ، روایات کلینی را به واسطه او نقل می کند) . (۱۹۰)

۷۴. محمد بن هيثم عجلي رازی (ق ۳) : ثقة و اهل ری است. او پدر احمد و پدر بزرگ حسن ، از علمای ثقة امامیه است. (۱۹۱)

۷۵. محمد بن یزداد رازی (ق ۳) : حسن (۱۹۲) و از اصحاب امام عسکری (ع) (۱۹۳) بوده و روایات قابل قبولی دارد. (۱۹۴)

۷۶. ابو جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق کلینی (ق ۴ و ۳) : ثقة شیخ و بزرگ امامیه در زمان خود و در علم حدیث ، موثق ترین و در ثبت آن ، دقیق ترین فرد بوده است. (۱۹۵)

کلینی ، صاحب کتابهایی است که از آن جمله است : (الکافی) که از ارکان چهارگانه حدیث شیعه است و علمای بزرگ شیعه ، در طول تاریخ ، این کتاب را بر کتب شیعه برتری داده اند. وی این کتاب را در طول بیست سال نوشته که مشتمل بر سه بخش (الاصول ، الفروع ، الروضه) است. از دیگر کتب وی است : (الرد علی القرامطه) ، (تعبیر الرویاء) ، (۱۹۶) (رسائل الائمة (ع)) ، (الرجال) ، (ما قبل فی الائمة (ع) من الشعر) (۱۹۷) است . وی در سال ۳۱۸ یا ۳۲۹ ق (سال تناثر نجوم) ، وفات یافت. (۱۹۸)

۷۷. محمد بن یوسف مقری رازی (ق ۳) : حسن است (۱۹۹) و ظاهرانجاشی به او اعتماد دارد. (۲۰۰) احمد بن محمد بن سعید به سال ۲۸۱ ق ، از او روایت می کند. (۲۰۱)

۷۸. ابو القاسم مخلص بن موسی رازی (ق ۴ و ۳) : مهمل است (۲۰۲) و با امام زمان (ع) مکاتبه داشته است. (۲۰۳)

۷۹. ابو الحسن منصور بن عباس رازی (ق ۳) : مضطرب الامر (۲۰۴) و از اصحاب امام جواد و امام هادی (ع) است. (۲۰۵) او صاحب کتاب معروف (النوادر) است. (۲۰۶)

۸۰. موسی بن ابی الحسن رازی (ق ۲) : مجهول و از اصحاب امام رضا (ع) است. (۲۰۷)

۸۱. موسی بن نصر رازی (ق ۲) : مجهول و از اصحاب امام رضا (ع) است. (۲۰۸)

۸۲. نعمان رازی (ق ۲) : امامی ، مجهول (۲۰۹) و از اصحاب امام صادق (ع) است. (۲۱۰)

۸۳. ولید بن ابان ضبی رازی (ق ۲) : امامی ، مجهول (۲۱۱) و از اصحاب امام رضا (ع) است. (۲۱۲)

۸۴. هشام بن مثنی رازی (ق ۲) : مجهول (۲۱۳) و از اصحاب امام صادق (ع) است. (۲۱۴)

۸۵. یحیی بن ابی بکر رازی (ق ۳) : امامی و مجهول است. (۲۱۵) وی نابینا بوده و از اصحاب امام هادی (ع) است. (۲۱۶)

۸۶. ابو جعفر یحیی بن علاء بجلی رازی (ق ۲) : ثقة و اصالتکوفی است. (۲۱۷) او از اصحاب امام صادق (ع) (۲۱۸) و صاحب کتاب است. (۲۱۹)

ص: ۷

۸۷. یحیی بن محمد بن سدید / سیبویه رازی (ق ۲) : مجهول و از سلسله روات شیخ طوسی است. (۲۲۰)

نتیجه گیری

به نظر می رسد فضای مناسبی که در فاصله زمانی براندازی امویان و روی کار آمدن عباسیان ، قیام زید بن علی (ع) و در پی آن ، قیام فرزندش یحیی در خراسان و حمایت گسترده ایرانیان از آنها (از جمله شرکت مردمانی از ری در قیام زید (۲۲۲)) ، تبلیغات وسیع داعیان عباسی در فراخوانی به پیروی از آل محمد (ص) و نهایتاً قیامهای شیعی ، همچون قیام عبدالله بن معاویه ، (۲۲۳) زمینه بسیار مساعدی را برای گسترش تشیع در ایران فراهم آورد. ری نیز از این قاعده مستثنا نبود و ارتباط و پیوندهایی ری با ائمه امامیه (ع) که در زمان امام باقر (ع) با وجود یک صحابی رازی ایجاد گردیده بود ، در سطح وسیعتری ادامه یافت و در زمان امام صادق (ع) تعداد صحابیان رازی به ده تن رسید که نشان از نفوذ تشیع در این شهر و پیدایش زمینه نشرافکار امامیه دارد .

گزارشی از وجود حاکمی شیعی مذهب در ری در عصر امام کاظم (ع) که شیعیان آن حضرت را تحت حمایت خود داشته است ، در کتاب (قضاء حقوق المومنین) ، تالیف قرن ششم هجری وجود دارد. (۲۲۴) هرچند در این کتاب ، نام این حاکم ذکر نگردیده ؛ ولی در صورت صحت خبر ، وجود چنین شخصی در راس حکومت شهر ری ، می توانسته به پیشرفت فزاینده تشیع در این شهر ، بسیار کمک کند و موقعیت مطلوبی را برای شیعیان فراهم آورد .

مجموعاً پنج نفر از صحابیان امام کاظم (ع) ، رازی هستند که با توجه به محدودیت ها و فضای بسته سیاسی زمان و نوپایی نهال تشیع در ری ، منطقی به نظر می رسد. با ورود امام رضا (ع) به ایران و تصدی ولایت عهدی مامون و حمایت آشکار مامون از عقاید معتزلی و شیعی ، تشیع در تمامی مناطق ایران رشد و گسترش یافت . وجود یازده صحابی رازی در جمع اصحاب امام رضا (ع) ، زمینه مساعدی را برای نشر احادیث آن امام در ری فراهم ساخت و ارتباط این شهر را با ائمه (ع) ، به اوج خود رسانید .

در میان اصحاب جواد الائمه (ع) به نه صحابی رازی بر می خوریم. پیوستگی ارتباطات اهل ری با ائمه (ع) در زمان امام هادی (ع) به عمق یافتن اعتقادات شیعیان ری و استواری تشیع امامیه در این شهر انجامید. از بین صحابیان امام هادی (ع) ، ده نفر رازی هستند که با احتساب عبدالعظیم حسنی (که پناهنده شدن وی به این شهر ، خود نشان از وجود یارانی وفادار به او و همچنین پایگاه قابل اعتماد شیعیان در این شهر دارد) به یازده نفر می رسد. وجود یکی از نواب و کلای مورد وثوق امام هادی (ع) در ری ، خود دلیلی بر این مدعاست .

در زمان امام عسکری (ع) که به واسطه گسترش تشیع در جهان اسلام ، امام شدیدا تحت نظر بودند (و حتی معتمد عباسی سعی داشت با کشتن فرزندی که قرار بود برای امام به دنیا بیاید ، ریشه امامت را خشک کند) تعداد صحابیان رازی امام به شش نفر می رسد. در زمان غیبت صغری امام زمان (عج) نیز دو تن که یکی از نواب و کلای امام زمان است (با نام محمد بن جعفر اسدی) و دیگری از مکاتبه کنندگان با امام (با نام مخلص بن موسی رازی) ارتباط مستقیمی با ناحیه مقدسه داشته اند .

در مجموع ، شهر ری با احتساب ۴۴ صحابی ، بعد از شهر قم با حدود ۱۴۰ صحابی ، (۲۲۵) بالاترین ارتباط و پیوند را با ائمه امامیه (ع) در سرزمین های شرقی خلافت داراست. (۲۲۶) شاید بتوان گفت که علت اصلی نسبت های ناصبی گری و افراطی گری که به مردمان ری در قرون مورد بحث داده می شود ، نزدیکی این شهر به قم (پایگاه تشیع) بوده است ؛

چرا که در کنار مرکز جهان تشیع در قرن سوم، وجود شهری که مردم آن غالباً سنی مذهب بوده‌اند، بیشتر نمود داشته تا شهرهای بزرگ دیگر که از مرکز تشیع، دور بوده‌اند.

اما از لحاظ روند تکوین و گسترش تشیع امامیه در شهر ری، باتکیه بر شمار محدثان در قرون یک، دو، سه و چهار، باید گفت: در قرن اول هجری، هیچ نشانی از تشیع در ری وجود ندارد؛ اما از مجموع ۸۸ نفر محدثان و صحابیان اهل ری، سی نفر (۳۴/۰۹ درصد) متعلق به قرن دوم هجری، ۳۱ نفر (۳۵/۲۲ درصد) متعلق به قرن سوم هجری و ۲۵ نفر (۲۸/۴۰ درصد) متعلق به قرن چهارم هجری هستند (رجوع شود به نمودار آتی). (۲۲۷)

ص:۸

از لحاظ میزان اعتبار عقیدتی و علمی و التزام محدثان و عالمان قمی به مذهب امامیه، در قرون مذکور، وضعیت بدین قرار است: از مجموع ۸۸ محدث، شانزده نفر ثقه (۱۸/۱۸ درصد)، پانزده نفر حسن (۱۷/۰۴ درصد)، یک نفر امامی ممدوح (۱۳/۱ درصد)، پنج نفر ممدوح (۵/۶۸ درصد)، دو نفر شیخ الامامیه (۲/۲۷ درصد)، یک نفر متقی و نیک (۱۳/۱ درصد)، یک نفر فقیه و فاضل و عالم (۱۳/۱ درصد)، هفت نفر امامی و مجهول (۷/۹۵ درصد)، نوزده نفر مجهول (۲۱/۵۹ درصد)، پنج نفر ضعیف (۵/۶۸ درصد) چهار نفر مهمل (۴/۵۴ درصد)، دو نفر غالی (۲/۲۷ درصد)، یک نفر مضطرب الامر (۱۳/۱ درصد)، یک نفر رافضی (۱۳/۱ درصد)، یک نفر کاذب (۱۳/۱ درصد).

پی‌نوشتها:

۱. فرهنگ فارسی، محمد معین، چاپ هشتم، امیرکبیر، ۱۳۷۱، ذیل (ری).
۲. تاریخ یعقوبی، ابن واضح یعقوبی، چاپ پنجم، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۴۶.
۳. فتوح البلدان، بلاذری، ترجمه: محمد توکل، چاپ اول، نقره، ص ۴۴۵.
۴. همان، ص ۴۴۹.
۵. مختصر کتاب البلدان، ابن فقیه، افست از طبع لیدن، دارصادر، بیروت، ۱۳۰۲ق، ص ۲۷۰-۲۷۱.
۶. احسن التقاسیم فی معرفه الاقالیم، مقدسی، ترجمه: علینقی منزوی، چاپ اول، شرکت مولفان و مترجمان ایران، ۱۳۶۱ش ج ۲، ص ۵۷۵.
۷. مسالک و ممالک، اصطخری، به اهتمام: ایرج افشار، چاپ سوم، علمی و فرهنگی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۶-۱۶۷.
۸. احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۳.
۹. المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ترجمه: حسین قره‌جانی، چاپ اول، نشر نو، ۱۳۷۰، ص ۱۴۷.
۱۰. احسن التقاسیم، ج ۲، ص ۵۸۲-۵۸۳.
۱۱. فتوح البلدان، ص ۴۵۰؛ المسالک و الممالک، ابن خردادبه، ص ۲۸.

١٢. صورة الارض ، ابن حوقل ، الطبعة الثانية ، دارصادر ، بيروت ، ص ٣٧١ .
١٣. مسالك و ممالك ، ص ١٦٧ .
١٤. مختصر كتاب البلدان ، ص ٢٧٤ .
١٥. مسالك و ممالك ، ص ١٧١ .
١٦. معجم البلدان ، ياقوت حموى ، تحقيق : فريد عبدالعزيز الجندى ، دارالكتب العلمية ، ج ٢ ، ص ٥٠٦ ، ٥٥٠ و ٥٥١ .
١٧. قصص العلماء ، محمد تنكابنى ، چاپ دوم ، علميه اسلاميه ١٣٦٤ ، ص ٣٩٦-٣٩٧ .
١٨. معجم البلدان ، ج ٤ ، ص ٥٨-٥٩ .
١٩. رى باستان ، حسين كريمان ، انتشارات دانشگاه شهيد بهشتى ١٣٧١ ، ج ٢ ، ص ٥٧٦ و ٦٢٦ .
٢٠. لسان الميزان ، ابن حجر العسقلانى ، حققه وعلق عليه : محمد عبدالرحمان المرعشلى ، الطبعة الاولى ، داراحياء التراث العربى ، بيروت ، ١٩٩٥م ، ج ١ ، ص ١٢٤ .
- ص:٩
٢١. تهذيب الاحكام ، محمد بن حسن الطوسى ، حققه وعلق عليه : سيد حسن الخراسان ، الطبعة الثالثة ، دارالاضواء ، بيروت ، ج ٦ ، ص ٤٠ .
٢٢. الكافى ، محمد بن يعقوب الكلينى ، صححه وعلق عليه : على اكبر الغفارى ، دارالاضواء ، بيروت ، ١٤٠٥ق ، ج ٥ ، ص ١٥٩ ; جامع الرواه ، الاردبيلى ، منشورات مكتبة آيه الله المرعشى النجفى ، ج ٢ ، ص ٤٢٩ .
٢٣. الكافى ، ج ٢ ، ص ١٤ ; معجم رجال الحديث ، ابوالقاسم الخوئى ، الطبعة الثالثة ، بيروت ، ١٤٠٣ق ، ج ٢١ ، ص ٢٤-٢٥ .
٢٤. مسند الامام الهادى (ع) ، عزيزالله العطاردى ، المؤتمر العالمى للامام الرضا (ع) ، ١٤١٠ق ، ص ٣١٢ .
٢٥. معجم رجال الحديث ، ج ٢٢ ، ص ١٢٣ .
٢٦. التهذيب ، محمد بن حسن الطوسى ، ج ٦ ، ص ١٧١ ; مسندالامام الرضا (ع) ، عزيزالله العطاردى ، منشورات المؤتمر العالمى للامام الرضا (ع) ، ١٤٠٦ق ، ج ٢ ، ص ٥١٥ ; معجم رجال الحديث ، ج ٢ ، ص ١٢٧ .
٢٧. الفهرست ، محمد بن حسن الطوسى ، منشورات الشريف الرضى ، قم ، ص ١٩٠ ; رجال ابن داود ، منشورات جامعه طهران ، ١٣٤٢ش ، ص ٤٠١ ; رجال العلامة الحلى ، صححه : السيد محمد صادق بحر العلوم ، الطبعة الثانية ، منشورات المطبعة الحيدريه ، النجف ، ١٣٨١ق / ١٩١٦م ، ص ١٨٨ .
٢٨. الفهرست ، الطوسى ، ص ١٩٠ .

٢٩. رجال الطوسي ، منشورات الشريف الرضي ، قم ، ١٣٨٠ق/١٩٦١م ، ص ٥١٩ ؛ رجال ابن داوود ، ص ٤٩٨ و ٥٦٨ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٦٨ .

٣٠. فهرست اسماء مصنفى الشيعة (رجال النجاشي) ، محمد بن على النجاشي ، منشورات جماعه المدرسين بقم المشرفه ، ص ٤٥٦ ؛ مجمع الرجال ، القهپائی (كوهپايى اصفهانی) ، صححه و علق عليه: السيد ضياء الدين العلامة ، اصفهان ، سنه ١٣٨٤ق ، ج ١ ، ص ١٢٩ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٥٦ .

٣١. الكافي ، ج ١ ، ص ١١ .

٣٢. مسند الامام الهادى (ع) ، عزيزالله العطاردى ، ص ٣١٧ .

٣٣. الكافي ، ج ٦ ، ص ١٢٩ ؛ اعيان الشيعة ، السيد محسن الامين ، حققه واخرجه : حسن امين ، دارالتعارف للمطبوعات ، بيروت ١٤٠٣ق ، ج ٢ ، ص ٤٤١ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ٢٢ ، ص ٧٩٧٨ .

٣٤. همان ، ص ٢٣ ؛ اعيان الشيعة ، ج ٢ ، ص ٤٤٥ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ٢٢ ، ص ٨٤ .

٣٥. تنقيح المقال ، المامقانى ، چاپ سنگى ، ١٣٤٩ق ، ج ١ ، ص ٨ .

٣٦. رجال ابن داوود ، ص ٢٣ .

٣٧. رجال الطوسي ، ص ٤٣٨ ؛ جامع الرواه ، ج ١ ، ص ٤٠ .

٣٨. رجال العلامة ، ص ١٨ .

٣٩. رجال الطوسي ، ص ٤١٠ ؛ رجال ابن داوود ، ص ٢٣ ؛ رجال العلامة ، ص ١٤ ؛ مسند الامام الهادى (ع) ، عزيزالله العطاردى ، ص ٣٢٠ .

٤٠. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٨ .

٤١. الرجال ، الطوسي ، ص ٤٤٤ ؛ الرجال ، ابن داوود ، ص ٢٥ .

ص: ١٠

٤٢. الرجال ، الطوسي ، ص ٤٤٤ .

٤٣. لسان الميزان ، ابن حجر ، ج ١ ، ص ٣٥٢ .

٤٤. معجم رجال الحديث ، ج ٢ ، ص ١٦٤ .

٤٥. لسان الميزان ، ج ١٠ ، ص ٣٥٢ .

٤٦. الرجال ، الطوسي ، ص ٤٥٥ .

٤٧. رجال النجاشي ، ص ٩٦ ، رجال ابن داوود ، ص ٣٨٧ و ٤٢٠ ؛ مجمع الرجال ، ج ١ ، ص ١٢٦ .

٤٨. الفهرست ، الطوسي ، ص ٣٠ .
٤٩. رجال النجاشي ، ص ٩٦ ، الفهرست ، الطوسي ، ص ٣٠ ؛ رجال العلامة ، ص ٣٠٨ .
٥٠. لسان الميزان ، ابن حجر ، ج ١ ، ص ٤٦١ .
٥١. معجم رجال الحديث ، الخوئي ، ج ٢ ، ص ٣٢٣ .
٥٢. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٧ .
٥٣. رجال الطوسي ، ص ١٠٧ .
٥٤. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٢١ .
٥٥. رجال النجاشي ، ص ١٠٩ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٠٧ .
٥٦. رجال الطوسي ، ص ٣٧٠ ؛ رجال البرقي ، منشورات جامعه طهران ، ١٣٤٢ ش ، ص ٥٥ .
٥٧. رجال ابن داوود ، ص ٧٢ .
٥٨. همان ، ص ٥٤٣٥٣٢ .
٥٩. رجال النجاشي ، ص ١٠٩ ؛ مجمع الرجال ، ص ٢٧٤ ، رجال العلامة ، ص ٢٠٧ .
٦٠. الفهرست ، الطوسي ، ص ٣٩ .
٦١. رجال النجاشي ، ص ١٠٩ .
٦٢. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٢٦ .
٦٣. رجال النجاشي ، ص ١٢٣ ؛ تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٢١٣ .
٦٤. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٢٧ .
٦٥. اعيان الشيعة ، ج ٤ ، ص ١٥٠ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ٤ ، ص ١٠٢-١٠٣ .
٦٦. رجال النجاشي ، ص ١٢٦ ؛ رجال ابن داوود ، ص ٩٠ ؛ رجال العلامة ، ص ٣٣ .
٦٧. همان ، ص ٦٥ ؛ رجال ابن داوود ، ص ١٠٣ ؛ رجال العلامة ، ص ٤٤ .
٦٨. همان ، ص ٦٥ .

ص: ١١

٦٩. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٣٠ .

٧٠. رجال البرقي ، ص ٥٢ .
٧١. رجال الطوسي ، ص ٤٠٠ ; رجال النجاشي ، ص ٦٠ ; مجمع الرجال ج ٢ ، ص ١٨٨ ; رجال العلامة، ص ٢١٤ ; رجال ابن داوود ، ص ٤٤ .
٧٢. الفهرست ، الطوسي ، ص ٥٣ .
٧٣. جامع الرواه ، ج ١ ، ص ٢٥٣ .
٧٤. مسند الامام الرضا (ع) ، ج ٢ ، ص ٥٢٥ ; جامع الرواه ، ج ١ ، ص ٢٠٦ .
٧٥. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٣٧ .
٧٦. رجال الطوسي ، ص ٤٦٢ ; رجال ابن داوود ، ص ١١١ .
٧٧. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٣١٥ .
٧٨. علل الشرائع ، محمد بن علي الصدوق ، قدم له : السيد محمد صادق بحر العلوم، منشورات المكتبة الحيدريه، النجف، ١٣٨٥ ق ، ص ٦٩ .
٧٩. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٣٩ .
٨٠. رجال الطوسي ، ص ٣٧٣ .
٨١. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٤٠ .
٨٢. رجال الطوسي ، ص ٤٦٢ ; رجال ابن داوود ، ص ١٠٤ .
٨٣. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٤١ .
٨٤. معجم رجال الحديث ، ج ٦ ، ص ٧٤ .
٨٥. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٤١ .
٨٦. مسند الامام الكاظم (ع) ، عزيز الله العطاردي ، الطبعة الاولى ، منشورات المؤتمر العالمي للامام الرضا(ع) ، ١٤٠٩ ق ج ٣ ، ص ٣٦٦ .
٨٧. مسند الامام الصادق (ع) ، الكفائي ، منشورات مطبعة الاداب ، ١٣٨٠ ق / ١٩٦١ م ، ص ٣٣٣ .
٨٨. معجم رجال الحديث ، ج ٦ ، ص ١١٣-١١٤ .
٨٩. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ٥٣ .
٩٠. رجال ابن داوود ، ص ١٤٩ .

٩١. اختيار معرفه الرجال (رجال الكشي) ، محمد بن حسن الطوسي ، صححه وعلق عليه : حسن المصطفوي ، منشورات جامعه طهران ١٣٤١ش ، ص ٥٧٩ ؛ رجال ابن داود ، ص ٤٠٨-٤٠٩ ؛ رجال العلامة ، ص ٧-١٩ .

٩٢. رجال الطوسي ، ص ٤٠١ ؛ رجال الكشي ، ص ٥٦٦ .

٩٣. رجال الطوسي ، ص ٤١٦ ؛ رجال الكشي ، ص ٥٦٦ ؛ رجال البرقي ص ٥٨ .

ص: ١٢

٩٤. مسند الامام العسكري (ع) ، عزيز الله العطاردي ، منشورات المؤتمر العالمي للامام الرضا (ع) ، ١٤١٠ق ، ص ٣١٦-٣١٧

٩٥. رجال النجاشي ، ص ١٨٥ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٢٨ .

٩٦. رجال الطوسي ، ص ٤١٦ .

٩٧. الفهرست ، الطوسي ، ص ٨٠ .

٩٨. رجال النجاشي ، ص ١٨٥ ؛ مجمع الرجال ، ج ٣ ، ص ١٨٠ .

٩٩. رجال العلامة ، ص ٢٢٨ ؛ رجال النجاشي ، ص ١٨٥ .

١٠٠. الفهرست ، الطوسي ، ص ٨٠ .

١٠١. تنقيح المقال ، ج ٢ ، ص ١٩٨ .

١٠٢. رجال الطوسي ، ص ٤٠٢ .

١٠٣. همان ، ص ٤١٦ .

١٠٤. همان ، ص ٤٣٢ .

١٠٥. رجال النجاشي ، ص ١٩٨ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٥ و ٢٣٠ .

١٠٦. مجمع الرجال ، ج ٣ ، ص ٢٠٣ .

١٠٧. رجال الكشي ، ص ٥٦٦ .

١٠٨. الفهرست ، الطوسي ، ص ٨٤ ؛ رجال النجاشي ، ص ١٩٨ .

١٠٩. رجال ابن داود ، ص ٢٢٦ .

١١٠. رجال الطوسي ، ص ٤١٧ .

١١١. الفهرست ، الطوسي ، ص ١٢١ .

١١٢. رجال النجاشي ، ص ٢٤٧ ٢٤٨ .

١١٣. همان ، ص ٢٤٩ .

١١٤. الفهرست ، الطوسي ، ص ١٢١ .

١١٥. رجال العلامة ، ص ١٣٠ ؛ رجال النجاشي ، ص ٢٤٧ .

١١٦. همان ، ص ٢٣٨ ؛ تنقيح المقال ، ج ٢ ، ص ١٦٧ .

١١٧. رجال النجاشي ، ص ٣٤٨ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ١٠ ، ص ١٠٦

١١٨. رجال الطوسي ، ص ٤٠٣ .

١١٩. رجال ابن داوود ، ص ٢١٢ .

١٢٠. رجال النجاشي ، ص ٢٢٨ .

ص: ١٣

١٢١. التهذيب ، ج ٩ ، ص ١٢٦ .

١٢٢. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٠٢ .

١٢٣. رجال الطوسي ، ص ٢٦٤ .

١٢٤. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٠٤ .

١٢٥. معجم رجال الحديث ، ج ٢ ، ص ١٦ و ج ١١ ، ص ١٦٦ .

١٢٦. تنقيح المقال ، ج ٢ ، ص ٢٥٦ .

١٢٧. همان ، ج ٢ ، ص ٢٩٥ .

١٢٨. عيون اخبار الرضا (ع) ، محمد بن علي الصدوق ، صححه : مهدي الحسيني اللاجوردی ، جهان ، ص ٦٤ .

١٢٩. تنقيح المقال ، ج ٢ ، ص ١٢٥ و ٢٥٩ ؛ عيون اخبار الرضا (ع) ص ١٣٨ .

١٣٠. رجال النجاشي ، ص ٢٥٥ ؛ مجمع الرجال ، ج ٤ ، ص ٢٠٣ ؛ رجال ابن داوود ، ص ٨٤ و ٨٤ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٨٤ .

١٣١. مجمع الرجال ، ج ٤ ، ص ٢٠٣ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٨٤ .

١٣٢. رجال النجاشي ، ص ٢٥٥ .

١٣٣. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٠٨ .
١٣٤. مسند الامام الكاظم (ع) ، عزيز الله العطاردي ، ج ٣ ، ص ٤٧٠ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ١٢ ، ص ٩٢ .
١٣٥. تنقيح المقال ، ج ٢ ، ص ٢٩٧ .
١٣٦. رجال النجاشي ، ص ٢٦٠ ؛ رجال ابن داود ، ص ٤٨ ؛ رجال العلامة ، ص ١٠٠ .
١٣٧. طبقات اعلام الشيعة ، آقا بزرگ الطهراني ، تحقيق : علينقي منزوي ، منشورات دارالكتاب العربي ، ١٣٩٠ ق ، ج ١ .
١٣٨. الكافي ، ج ٥ ، ص ٥٤١ .
١٣٩. رجال النجاشي ، ص ٢٦٠ .
١٤٠. الكامل في التاريخ ، ابن اثير ، تحقيق مكتب التراث ، الطبعة الرابعة ، منشورات التاريخ العربي ، بيروت ، ١٤١٤ ق ، ج ٨ ص ٣٤٤ .
١٤١. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١١٠ .
١٤٢. معجم رجال الحديث ، ج ١٢ ، ص ٢١٦ .
١٤٣. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٠٦ .
١٤٤. الفهرست ، الطوسي ، ص ١٠٠ ؛ رجال ابن داود ، ص ٢٤٧ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ١٢ ، ص ١٠ .
١٤٥. مسند الامام الكاظم (ع) ، ج ٣ ، ص ٤٨٣ .
١٤٦. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٢٠ .
- ص: ١٤
١٤٧. رجال ابن داود ، ص ٢٦٨ .
١٤٨. رجال الطوسي ، ص ٢٥٧ .
١٤٩. الكافي ، ج ١ ، ص ٤٨٥ .
١٥٠. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٣١ .
١٥١. رجال الطوسي ، ص ٤٩٦ ، رجال ابن داود ، ص ٢٩٠ ، رجال العلامة ، ص ١٤٨ .
١٥٢. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٣١ .
١٥٣. رجال الطوسي ، ص ٤٠٧ ، رجال البرقي ، ص ٥٧ ، معجم رجال الحديث ، ج ١٤ ، ص ٢٤٣ .

١٥٤. معجم رجال الحديث، ج ١٥، ص ٣٢٧ و ج ١٦، ص ١٠.
١٥٥. مشايخ فقه و حديث، عزيز الله العطاردي، چاپ اول، عطار د، ١٣٧٣ ش، ص ١٤١ و ١٥٨؛ معجم رجال الحديث، ج ١٦، ص ٩.
١٥٦. لسان الميزان، ج ٥، ص ٧٠٣.
١٥٧. تنقيح المقال، ج ٢، ص ٨٢.
١٥٨. الكافي، ج ٤، ص ١٦٩.
١٥٩. تنقيح المقال، ج ١، ص ١٣٣.
١٦٠. رجال النجاشي، ص ٣٩٤؛ رجال ابن داوود، ص ٣٠٠.
١٦١. رجال النجاشي، ص ٣٩٤.
١٦٢. لسان الميزان، ج ٥، ص ٧٦٢.
١٦٣. رجال النجاشي، ص ٣٧٣؛ رجال ابن داوود، ص ٣٢، ص ٥٠١ و ٥٤٩؛ رجال العلامة، ص ١٦٠.
١٦٤. رجال الطوسي، ص ٤٩٦؛ رجال ابن داوود، ص ٣٠٢.
١٦٥. رجال البرقي، ص ٢٠.
١٦٦. رجال النجاشي، ص ٣٧٣؛ رجال العلامة، ص ٢٧٥.
١٦٧. الفهرست، طوسي، ص ١٥١.
١٦٨. رجال النجاشي، ص ٣٧٣.
١٦٩. همان، ص ٣٣٨؛ رجال ابن داوود، ص ٥٠٢-٥٤٧؛ رجال الطوسي ص ٥٠٦؛ رجال العلامة، ص ٢٥٥.
١٧٠. رجال الطوسي، ص ٤٢٥.
١٧١. الفهرست، الطوسي، ص ١٤٧.
١٧٢. رجال النجاشي، ص ٣٣٨.
- ص: ١٥
١٧٣. التهذيب، ج ٦، ص ٢٠.
١٧٤. تنقيح المقال، ج ١، ص ١٣٦.

١٧٥. رجال الطوسي ، ص ٤٢٤ .
١٧٦. همان ، ص ٣٨٩ .
١٧٧. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٣٩ .
١٧٨. رجال العلامة ، ص ١٤٣ .
١٧٩. الفهرست ، الطوسي ، ص ١٣٢ ؛ رجال النجاشي ، ص ٣٧٥ ؛ رجال ابن داود ، ص ٣٢١ .
١٨٠. همان ، ص ١٣٢ ؛ رجال النجاشي ، ص ٣٧٥ .
١٨١. رجال النجاشي ، ص ١٣٢ ؛ رجال العلامة ، ص ١٤٣ .
١٨٢. رجال الطوسي ، ص ٤٩٥ ؛ رجال ابن داود ، ص ٣٢٤ ؛ رجال العلامة ، ص ١٤٧ .
١٨٣. الامالي للصدوق ، الاعلامي ، منشورات موسسه الاعلمي للمطبوعات ، بيروت لندن، ١٩٨٠م، ص ٨٥ و ١٠ (المقدمة) .
١٨٤. رجال ابن داود ، ص ٣٢٤ ؛ رجال العلامة ، ص ١٤٧ .
١٨٥. الفهرست ، طوسي ، ص ١٥٦ ؛ رجال النجاشي ، ص ٣٨٩ ؛ رجال ابن داود ، ص ٣٢٤ ؛ رجال العلامة ، ص ١٤٧ .
١٨٦. رجال النجاشي ، ص ٣٩٢٣٨٩ .
١٨٧. الفهرست ، الطوسي ، ص ١٥٧ .
١٨٨. رجال ابن داود ، ص ٣٢٤ .
١٨٩. الكافي ، ج ٤ ، ص ٢٢٤ .
١٩٠. عيون اخبار الرضا (ع) ، ص ١٢٠ .
١٩١. معجم رجال الحديث ، ج ١٨ ، ص ٣٤٥ .
١٩٢. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٤٦ .
١٩٣. رجال الطوسي ، ص ٤٣٦ .
١٩٤. رجال الكشي ، ص ٥٣٠ ؛ رجال ابن داود ، ص ٣٤١-٣٨٨ ؛ رجال العلامة ، ص ١٥٣ .
١٩٥. رجال الطوسي ، ص ٤٩٥ ؛ رجال النجاشي ، ص ٣٧٧ ؛ رجال ابن داود ، ص ٣٤١ ؛ رجال العلامة ، ص ١٤٥ .
١٩٦. الفهرست ، الطوسي ، ص ١٣٥ .
١٩٧. رجال النجاشي ، ص ٣٧٧ .

١٩٨. الفهرست ، الطوسي ، ص ١٣٥ .
١٩٩. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٤٧ .
- ص: ١٦
٢٠٠. همان ، ج ١ ، ص ٢٠٢ .
٢٠١. معجم رجال الحديث ، ج ١٨ ، ص ٦٨ .
٢٠٢. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٤٧ .
٢٠٣. الكافي ، ج ٤ ، ص ٥٣٨ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ١٨ ، ص ١٦٠ ؛ تنقيح المقال ، ج ٣ ، ص ٢٠٧ .
٢٠٤. رجال النجاشي ، ص ٤١٣ ، رجال ابن داود ، ص ٥٢٠ و ٥٤٧ ؛ رجال العلامة ، ص ٢٥٩ .
٢٠٥. معجم رجال الحديث ، ج ١٨ ، ص ٣٥١ .
٢٠٦. رجال النجاشي ، ص ٤١٣ .
٢٠٧. مسند الامام الرضا (ع) ، ج ٢ ، ص ٥٥٢-٥٥٣ .
٢٠٨. همان جا .
٢٠٩. تنقيح المقال ، ج ٣ ، ص ٢٧٢ .
٢١٠. رجال الطوسي ، ص ٣٢٥ ؛ الكافي ، ج ٢ ، ص ١٤ ؛ رجال البرقي ص ٤٤ ؛ معجم رجال الحديث ، ج ١٩ ، ص ١٧٠-١٧١ .
٢١١. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٦٠ .
٢١٢. رجال الطوسي ، ص ٣٩٤ ؛ رجال البرقي ، ص ٥٤ ؛ مسند الامام الرضا (ع) ، ج ٢ ، ص ٥٥٣ .
٢١٣. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٦٣ .
٢١٤. رجال الطوسي ، ص ٣٣٢ .
٢١٥. تنقيح المقال ، ج ١ ، ص ١٦٤ .
٢١٦. رجال الطوسي ، ص ٤٢٦ .
٢١٧. رجال النجاشي ، ص ٤٤٤ ؛ رجال ابن داود ، ص ٣٧٥ ؛ رجال العلامة ، ص ١٨٢ .
٢١٨. رجال الطوسي ، ص ٣٣٣ ؛ رجال البرقي ، ص ٣١ .

۲۱۹. رجال النجاشی ، ص ۴۴۴ .

۲۲۰. رجال الکشی ، ص ۴۳۷ .

۲۲۱. همان ، ص ۵۸۸ .

۲۲۲. مقاتل الطالبیین ، ابوالفرج الاصفهانی ، شرح و تحقیق : السید احمد صقر ، الطبعة الاولى ، منشورات الشریف الرضی ، ۱۴۱۴ق ، ص ۱۳۲ .

۲۲۳. نثر الدر ، ابو سعید منصور الحسینی الابی ، تحقیق : محمد علی قرنه ، الهیئه المصریه العامه للکتاب ، ج ۱ ، ص ۴۲۷ .

۲۲۴. تراثنا ، السنه الاولى ، العدد الثالث ، ص ۱۸۶-۱۸۷ .

۲۲۵. (علما و خاندانهای امامی جبال و خراسان) (پایان نامه کارشناسی ارشد تاریخ) ، محمد حاج تقی ، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی ، تهران ، زمستان ۱۳۷۵ .

ص: ۱۷

۲۲۶. شهر نیشابور که بزرگترین شهر سرزمین های شرقی خلافت و یکی از مهمترین مراکز فرهنگی قرون نخستین اسلامی بوده است ، بیش از بیست صحابی ندارد (ر. ک : (علما و خاندانهای امامی جبال و خراسان)] .

۲۲۷. متأسفانه تاریخهای محلی ری که مهمترین منبع اطلاعاتی در مورد بافت علمی شهر و نام و نشان علمای آن است ، از بین رفته اند. کتاب (تاریخ ری) شیخ منتجب الدین ، دانشمند قرن ششم ، کلاً از بین رفته و فقط قسمتهای کوتاهی از آن در (طبقات الشافعیه) سبکی و (لسان المیزان) ابن حجر آمده است (ر. ک: مقالات تاریخی ، رسول جعفریان ، دفتر دوم). در این مقاله از این مختصر استفاده شده است. لذا شاید یکی از دلایل افتنسبی علمای قرن چهارم نسبت به قرن دوم و سوم در ری ، نابودی منابع اطلاعاتی باشد و شاید در قرن دوم و سوم ، به دلیل پیوند علما با ائمه (ع) در کتب رجالی و غیر آن ، نام ایشان بیشتر مضبوط مانده است .

منابع:

علوم حدیث ۱۳۷۸ شماره ۱۲

ص: ۱۸